



واکاوی دلالت‌های الگوی حکمرانی از منظر رهبر شهید انقلاب اسلامی

مبثنی بر بیانیه گام دوم

وحید آرایبی^۱

۵

دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۵
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۶/۰۸

صص: ۶۶-۴۵

شماره الکترونیکی: ۳۱۱۵-۸۸۶۳



چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منشوری راهبردی و سیاستی برای مسیر آینده کشور و ترسیم‌کننده الگوی جامع حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر متن بیانیه به واکاوی نظام‌مند این الگو می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که مؤلفه‌ها و دلالت‌های الگوی حکمرانی مطلوب از منظر رهبر شهید انقلاب اسلامی با محوریت بیانیه گام دوم کدام است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی در این نگرش، فراتر از یک مدل مدیریت دولتی، یک نظام ارزشی عملیاتی است که تلفیقی هوشمندانه از ارزش‌های متعالی اسلامی و الزامات کارآمدی عقلانی را به نمایش می‌گذارد. مؤلفه‌های هفت‌گانه بیانیه؛ «علم و پژوهش»، «معنویت و اخلاق»، «اقتصاد»، «عدالت و مبارزه با فساد»، «استقلال و آزادی»، «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» و «سبک زندگی» همگی بر محور فرایند سه‌گانه خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی سامان یافته و یک نظام یکپارچه حکمرانی متعالی را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر شهید انقلاب اسلامی، خودسازی، جامعه‌پردازی، تمدن‌سازی.



CC BY-NC-SA

DOI: 10.22034/syssir.2026.2093760.1026

استناد: آرایبی، وحید (۱۴۰۵). واکاوی دلالت‌های الگوی حکمرانی از منظر رهبر شهید انقلاب اسلامی مبتنی بر بیانیه گام دوم، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی (مطالعات علم و فناوری)، ۲(۵)، ۶۶-۴۵.

۱. گروه مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

vah.araei@iauctb.ac.ir

(نویسنده مسئول)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام دانست که با شعار استقلال، آزادی و حاکمیت ارزش‌های الهی، الگویی نوین از تمدن‌سازی دینی را در عصر مدرن مطرح کرد. این انقلاب نه تنها ساختار سیاسی ایران را متحول ساخت، بلکه افق جدیدی از بازگشت به هویت دینی، عدالت اجتماعی و علم‌گرایی معنوی را در برابر تمدن غرب گشود. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ توسط حضرت آیت‌الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای (ره) صادر گردید، پدیده‌ای صرفاً مناسبتی نبود؛ بلکه رویدادی راهبردی و سیاستی در تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این بیانیه در هنگامی صادر شد که کشور به رغم چهار دهه تهدیدها، فشارها و تحریم‌های طاقت‌فرسای بیرونی و نیز ضعف‌های درونی، نه تنها بقای خود را تثبیت کرده بلکه به عنوان یک بازیگر مؤثر در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده بود. اهمیت این سند از آن‌روست که برای نخستین بار، تجربه چهل ساله اداره کشور به صورت نظام‌مند، صریح و آینده‌نگرانه ارزیابی و بر اساس آن، اولویت‌های راهبردی برای یک افق چهل ساله دیگر تدوین شده است. بیانیه در ذات خود، یک الگوی حکمرانی است که توسط رهبر شهید انقلاب اسلامی و برآمده از بطن یک انقلاب مردمی ارائه می‌شود و به همین دلیل، مطالعه آن صرفاً یک کنش سیاسی نیست، بلکه یک ضرورت علمی برای فهم الگوی اداره جامعه در ایران پس‌انقلابی است. ادبیات حکمرانی در دهه‌های اخیر، هم در گفتمان غربی و هم در خوانش‌های درون‌زا در جهان اسلام، دچار تحولی عمیق و چندلایه شده است. در گفتمان مسلط غربی، گذار از حکومت به حکمرانی نشان‌دهنده افول انحصار دولت در قدرت و ظهور شبکه‌های پیچیده‌ای از کنشگران دولتی، خصوصی و مدنی است (Rhodes, 1996: 652). مفاهیمی نظیر حکمرانی خوب به یک گفتمان هژمونیک در سیاستگذاری‌های جهانی بدل شده‌اند. با این حال، این مفاهیم غالباً در خلأ ارزشی شکل نمی‌گیرند و حامل پیش‌فرض‌های فلسفی و سیاسی خاصی هستند که با مبانی جوامع غیرغربی تناسب ندارند (Blunt & Turner, 2005: 72). در ایران پس از انقلاب اسلامی، پیوند میان حکومت اسلامی به مثابه یک نظریه سیاسی-فقهی و حکمرانی کارآمد به مثابه یک ضرورت اجرایی، همواره یک دغدغه بوده است. ایده مردم‌سالاری دینی تلاشی برای ایجاد این سنتز بود. بیانیه گام دوم با نگاهی جامع و فرابخشی، این دو حوزه را در یک نظام معنایی واحد

به یکدیگر گره می‌زند. رهبر شهید انقلاب اسلامی در این سند، صرفاً به توصیه‌های اخلاقی یا دستورات اجرایی بسنده نمی‌کند، بلکه تصویری یکپارچه از یک فرایند ارائه می‌دهند که می‌توان آن را حکمرانی متعالی مردم‌پایه یا حکمرانی جهادی نامید. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان سند راهبردی پیشرفت کشور، بر تربیت و بکارگیری نیروی انسانی مؤمن، کارآمد، عدالت‌محور و شایسته‌سالار تأکید دارد. ضرورت این پژوهش در خلأ تحلیلی موجود برای فهم این الگوی خاص نهفته است. بسیاری از تحلیل‌ها، بیانیه را یا به اجزای سیاسی آن تقلیل داده‌اند یا آن را صرفاً یک سند آرمانی دانسته‌اند، در حالی که ظرفیت آن به عنوان یک چارچوب نظری منسجم برای حکمرانی نادیده گرفته شده است.

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

پیشینه تحقیق

آذربایجان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با توجه به جایگاه حکمرانی در شکل‌گیری الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، الگوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران را تدوین کرده‌اند. برای این منظور ضمن بررسی بیانیه گام دوم انقلاب با استفاده از روش داده‌بنیاد و رویکرد نظام‌مند، ابعاد الگو، استخراج و با استفاده از نظر ۳۰ خبره اعتبارسنجی شده است. در ادامه به کمک نظر ۳۸۴ کارشناس مرتبط و با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، مدل آزمون و براساس وضعیت موجود نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران نهایی و ارائه شده است. مؤلفه‌های اصلی حاصل آمده در این الگو عبارت‌اند از: اتکا به خود و استقلال؛ انتخاب و تربیت مسئولان مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و هویت؛ بهره‌برداری از کلیه منابع و ظرفیت‌ها؛ بهره‌گیری از تجارب دیگران؛ بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری؛ بهره‌گیری از مشارکت همه مردم و بالاخره بهره‌گیری از عقلانیت و منطق.

خلیلی و ساوه درودی (۱۴۰۱) در پژوهشی مطرح می‌کنند مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف به ویژه بیانیه گام دوم انقلاب، بر ایجاد الگو و نظام از انقلاب اسلامی تأکید داشته‌اند. دغدغه و مسئله اساسی این است که این نظام انقلابی باید دارای چه موازین و شاخص‌هایی باشد. به همین دلیل، پژوهش حاضر با هدف تبیین نظریه نظام انقلابی، در تلاش است به این سوال پاسخ دهد که نظام انقلابی مورد انتظار مقام معظم رهبری بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها

و مفاهیمی است. پژوهش بر اساس راهبردهای کیفی و روش تحقیق، داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری شامل متن بیانیه گام دوم بوده و حجم نمونه اختصاص به بخش‌هایی از بیانیه دارد که در آن، مقام معظم رهبری اشاره به نظام انقلابی از ابعاد و زوایای مختلف است. روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و ابزار پژوهش، فیش برداری است. تعداد ۳۶۸ خصیصه (داده) برای نظام انقلابی استخراج شد. ابعاد پژوهش که شامل «بایدها»، «ظرفیت‌ها» و «مطالبه‌ها» برای نظام انقلابی پایدار و کارآمد است با برشمردن ستون‌ها و بنیان‌های نظام انقلابی (بایدها)، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به بسترهای موجود برای پیشرفت و توسعه (ظرفیت‌ها)، می‌تواند کشور را به سمت یک نظام انقلابی کارآمد با تحقق «مطالبه‌ها» رهنمون سازد و در این مسیر، حجم مطالبه‌های باقی مانده برای تحقق نظام انقلابی مطلوب بسیار بیشتر بوده و نیازمند مدیریت و تلاش جهادی است. کدگذاری‌های سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی، به ترتیب منجر به استخراج ۶۷ مفهوم، ۲۸ مؤلفه و ۳ بعد گردید. در انتها ضمن تاکید بر «پیشرفت محوری و علم محوری» به عنوان مسأله اول کشور، توجه بیشتر بر چهار مطالبه اساسی «عدالت محوری»، «مبارزه با فساد»، «توسعه معنوی و فرهنگی» و «رفاه اقتصادی» پیشنهاد شده است.

عابدی درچه (۱۳۹۹) در پژوهشی مطرح می‌کند در گام دوم انقلاب و پس از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران نقاط ضعف و قوت (محیط درونی) و فرصت‌ها و تهدیدهایی (محیط بیرونی) برای این کشور قابل احصاء است. از آنجایی که اگر فضای درونی کشور و ساختار استحکام درونی قدرتمند شود، مسلماً بر فضای بیرونی نیز تأثیرگذار است؛ بنابراین اصلاح و ایجاد ساختارها، کارگزاران و عملکرد آنها نقش به‌سزایی در این امر مهم دارد. در این میان شیوه حکمرانی و انتخاب و انتصاب حکمرانان با مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مشخص اهمیت زیادی در نیل به اهداف ترسیم شده برای گام دوم انقلاب دارد. در این تحقیق با تحلیل محتوای بیانات امام خامنه‌ای به واکاوی سبک و سیاق حکمرانی جوان و حزب‌اللهی پرداخته شده است. بر همین اساس با توصیف و تبیین مختصات دولت جوان و حزب‌اللهی، چشم‌انداز و تصویرسازی نوینی از این دولت انجام شده که عملیاتی کردن، حفظ و تقویت آن با تلفیق دستاوردها و توصیه‌های بیان شده در بیانیه گام دوم انقلاب امکان‌پذیر است. اهمیت پرداختن به چنین موضوعی، قرار گرفتن تاریخ در پیچ سرنوشت‌ساز آن و نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر فعال و الگوساز در این برحه از زمان است. بنابراین تنها

با استحکام ساخت درونی نظام و ارائه الگویی کارآمد و مقتدر از حکمرانی است که می‌توان آن را به جهان معرفی نمود. بر همین مبنا تنها راه اثبات چنین ادعایی، اجرای عملی حکمرانی متعالی بر اساس مؤلفه‌های آن توسط دولت جوان و حزب‌اللهی است.

اقبال و رجایی فرجاد (۱۳۹۹) در پژوهشی به ارایه الگوی حکمرانی خوب و کارایی و اثربخشی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌پردازند. روش این تحقیق اسنادی و تحلیل محتوای بیانیه گام دوم با استفاده از کدگذاری باز و مشورت با نخبگان در ارایه الگوی نهایی می‌باشد. در تطبیق با شاخص‌های کارایی و اثربخشی در حکمرانی خوب با متن بیانیه گام دوم، مولفه‌های هر بخش احصاء و مدل مفهومی نهایی طراحی شد. طبق نتایج این تحقیق، در حوزه‌های کارایی و اثربخشی اقتصادی و سیاسی - اجتماعی، الگوی حکمرانی خوب در گام دوم مبتنی بر مولفه‌های مدیریت جهادی، استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، نظریه نظام انقلابی، مردم‌سالاری دینی، خودسازی، جامعه‌سازی، تمدن‌سازی نوین اسلامی، تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، عدالت و مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی، نفی تصدی‌گری دولت، مردمی کردن اقتصاد، تقویت تولید، ملازمت اخلاق و معنویت، ثبات و امنیت می‌باشد.

نجفی سیار و نیکونهاد (۱۳۹۹) یکی از اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، را نظریه‌پردازی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌دانند. بنا بر نظریه‌های ارائه شده که مرجعیت علمی و پرچمدار اصلی آن رهبری معظم انقلاب هستند؛ فرآیندهایی (شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، برپایی دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و برپایی تمدن نوین اسلامی) برای دستیابی به این هدف مهم تعریف شده است. علی‌رغم پیشرفت‌های قابل توجهی که در چهار دهه اولیه عمر انقلاب رخ داده اما این فرآیند رو به پیشرفت، در سومین مرحله آن یعنی برپایی دولت اسلامی با موانع و مشکل‌های جدی روبه‌رو بوده است. به تصریح رهبر انقلاب، گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقطع کنونی، ایجاد دولت اسلامی است که بدون تحقق آن، دستیابی به دو مرحله بعدی میسر نخواهد شد. بنابراین، در پژوهش پیش رو به دنبال پاسخگویی به این دغدغه و پرسش هستیم که دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی باید دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتواند در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی نقش محوری ایفا کند؟ در این راستا، در پژوهش حاضر شاخص‌ها و ویژگی‌های دولت تراز انقلاب منطبق بر متن بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار گرفته است. طبق

بررسی‌ها و نتایج این پژوهش که با استفاده از روش‌های توصیفی-تحلیلی و ابزارهای کتابخانه‌ای انجام شد، مهم‌ترین شاخص‌های دولت تراز انقلاب را می‌توان شامل مواردی همانند معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، شایسته‌سالاری، عقلانیت‌محوری، مشارکت‌جویی، قانون‌محوری، شفافیت‌گرایی، و بوم‌گرایی اقتصادی برشمرد.

حکمرانی

در ادبیات کلاسیک علوم سیاسی و مدیریت دولتی، «حکومت»^۱ به ساختار رسمی، سلسله‌مراتبی و مبتنی بر اقتدار عمومی اشاره دارد که از طریق نهادهای اجرایی، قانونگذاری و قضایی، به فرماندهی و کنترل جامعه می‌پردازد (Weber, 1978: 212) لیکن از اواخر قرن بیستم، با پیچیده‌تر شدن جوامع، جهانی شدن و بحران در مدیریت دولتی سلسله‌مراتبی، مفهوم «حکمرانی»^۲ به میدان آمد. حکمرانی به فرایندها، سازوکارها، شبکه‌ها و تعاملاتی اشاره دارد که از طریق آن‌ها تصمیم‌گیری‌های جمعی، اجرا و نظارت در عرصه عمومی صورت می‌پذیرد و لزوماً محدود به دولت نیست، بلکه کنشگران غیردولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی را نیز در بر می‌گیرد (Stoker, 1998: 17). به عبارت دیگر، حکمرانی یعنی «حکومت کردن بدون حکومت»^۳ که در آن، دولت صرفاً یکی از بازیگران در شبکه تعاملات است (Rhodes, 1996: 660). این گذار مفهومی، به معنای کاهش نقش دولت نیست، بلکه به معنای تغییر ماهیت نقش آن از «پارو زدن به هدایت کردن»^۴ است (Osborne & Gaebler, 1992: 35).

در عرصه حکمرانی، وظایف دولت شامل برقراری حاکمیت قانون، تنظیم استانداردهای اقتصادی و اجتماعی، تأمین نیازهای مادی و معنوی، برقراری عدالت و حمایت اجتماعی؛ وظایف جامعه مدنی شامل سازماندهی و آموزش جوامع محلی، بسیج گروه‌ها برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، تسهیل تعاملات سیاسی و اجتماعی، پشتیبانی از اقدامات وحدت‌بخش و کارکردهای نظارتی و وظایف بخش خصوصی شامل ایجاد اشتغال و درآمد، تولید و تجارت، توسعه منابع انسانی

1- Government.

2- Governance.

3- Governing without Government.

4- Steering, not rowing.

و ارائه خدمات، تعیین و ارتقای دائمی استانداردها و هنجارهای سازمانی می‌باشد (آرایی، ۱۳۹۹: ۷). سازمان ملل متحد، بانک جهانی و نهادهای بین‌المللی از دهه ۱۹۹۰، با توجه به ناکارآمدی کمک‌های توسعه در کشورهای فاقد ساختارهای اداری سالم، مفهوم «حکمرانی خوب» را به عنوان پیش‌شرط توسعه ترویج کردند. این مفهوم، معطوف به ساختارها، فرایندها و سنت‌هایی است که از طریق آنها قدرت و اقتدار، در جهت پیگیری منافع جمعی اعمال می‌شود (World Bank, 1992: 1).

بنا به تعریف ارائه شده در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی ۱۹۹۵ میلادی، حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند و فرآیندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز می‌نماید و اقدام همکاری‌جویانه اتخاذ می‌گردد. همچنین شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون قدرت پیدا کرده‌اند و قرارهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده‌اند یا درک می‌کنند که به نفع آنها است (آرایی، ۱۳۹۹: ۱۴).

بنا به تعریف کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه، حکمرانی در مفهوم ساده آن عبارت است از فرآیند تصمیم‌گیری و فرآیندی که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند یا نمی‌شوند و آن را می‌توان در بسترهای متنوعی از قبیل حکمرانی جمعی (شرکتی)، حکمرانی بین‌المللی، حکمرانی ملی و حکمرانی محلی به کار برد. حکمرانی شامل شامل بازیگران رسمی و غیررسمی درگیر در امر تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و تشکیلات رسمی و غیررسمی می‌شود که برای اجرای این تصمیمات استقرار یافته‌اند. دولت نیز یکی از این بازیگران است. دیگر بازیگران درگیر در حکمرانی، بسته به سطح حکمرانی متفاوت می‌باشند. به عنوان مثال در مناطق روستایی، بازیگران ممکن است شامل مالکان بانفوذ اراضی، انجمن‌های کشاورزان روستایی، شرکت‌های تعاونی، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات مالی، احزاب سیاسی، نیروهای نظامی باشند. در سطح ملی، علاوه بر بازیگران فوق، رسانه‌های عمومی، لابی‌ها، وام‌دهندگان بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی نیز حضور دارند که ممکن است در فرآیند تصمیم‌سازی نقش داشته باشند یا بر روند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند. تمامی این بازیگران به‌جز حکومت و نیروهای نظامی، به عنوان عضو جامعه مدنی دسته‌بندی می‌شوند. در برخی از کشورها، علاوه بر جامعه مدنی، اتحادیه‌های

1- Good Governance.

تبهکاری سازمان‌یافته نیز به‌ویژه در مناطق شهری و در سطح ملی بر روند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند (Unescap, 2004:3-4).

کافمن و همکارانش، شاخص‌های شش‌گانه برای حکمرانی خوب را مطرح کردند: حق اظهارنظر و پاسخگویی؛^۱ ثبات سیاسی و عدم خشونت؛^۲ اثربخشی دولت؛^۳ کیفیت مقررات؛^۴ حاکمیت قانون؛^۵ و کنترل فساد^۶ (Kaufmann et al., 2010: 4). این شاخص‌ها، علیرغم ظاهر فنی و خنثی خود، عمیقاً ریشه در مبانی لیبرال دموکراسی دارند و بر مفروضاتی چون تفکیک کامل اقتصاد از سیاست، اولویت حقوق فردی لیبرال و تلقی سکولار از قدرت عمومی استوارند. به همین دلیل منتقدان این پارادایم را متهم می‌کنند که حکمرانی خوب به یک ابزار سلطه برای تحمیل الگوی غربی مدیریت و حکمرانی بر دیگر جوامع تبدیل شده و به تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ارزشی بی‌توجه است (Andrews, 2013: 34).

حکمرانی اسلامی

حکمرانی در آموزه‌های اسلام به عنوان خاتم و اکمل ادیان با ماهیت الهی و در نظر گرفتن همه نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی مورد توجه قرار گرفته است. اندیشمندان مسلمان، حکمرانی را نه صرفاً یک فرایند عقلایی- فنی، بلکه یک امانت الهی و مسئولیت شرعی می‌دانند که هدف غایی آن سعادت دنیوی و اخروی انسان است. در این نگرش، مشروعیت قدرت، ترکیبی از اذن الهی و مقبولیت مردمی است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۳: ۲۷۳). امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، با طرح نظریه ولایت مطلقه فقیه، چارچوب فقهی- سیاسی برای حکمرانی در عصر غیبت را تبیین و تأکید داشتند که حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است و هدف آن اقامه قسط و عدل می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۶۰: ۴۳).

-
- 1- Voice and Accountability
 - 2- Political Stability& Non Violence.
 - 3- Government Effectiveness.
 - 4- Regulatory Quality.
 - 5- Rule of Law.
 - 6- Control of Corruption.

از منظر فلسفی، حکمرانی در اسلام بر سه رکن اصلی استوار است: توحید: یگانه‌پرستی، به معنای نفی هرگونه سلطه و قانونگذاری از غیر خداوند است و آزادی انسان را در بندگی خدا تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۹۰: ۵۸). عدالت: غایت اصلی بعثت انبیا و فلسفه وجودی حکومت دینی، برپایی قسط در همه ابعاد زندگی است (قرآن کریم، سوره حدید: آیه ۲۵). ولایت و امامت: پیوند رهبری فکری-سیاسی جامعه با شایستگی‌های علمی (فقاہت) و اخلاقی (تقوا) که تداوم‌بخش خط نبوت در هدایت جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۱۵). این مبانی، ماهیت حکمرانی را از یک خدمات عمومی سکولار به یک عبادت جمعی و مسیر الی‌الله ارتقا می‌بخشد. در چنین بستری، مفاهیمی چون کارآمدی و اثربخشی نیز بازتعریف می‌شوند؛ کارآمدی در حکمرانی اسلامی، علاوه بر خروجی‌های مادی و اقتصادی، به میزان تحقق ارزش‌های اخلاقی و الهی در جامعه نیز گره خورده است (ارجمند، ۱۳۸۸: ۱۲۶). رهبر شهید انقلاب اسلامی در طول سال‌های رهبری خود، این مبانی را در قالب یک الگوی عملی-راهبردی بسط داده‌اند. ایشان حکمرانی مطلوب را با کلیدواژه‌هایی نظیر؛ مدیریت جهادی، پیشرفت اسلامی-ایرانی و مردم‌سالاری دینی تبیین می‌کنند. از منظر ایشان، مدیریت جهادی یعنی مدیریتی که با انگیزه الهی، با توکل به خدا، با عقلانیت کامل، با تدبیر و با مجاهدت همراه باشد؛ از همه امکانات استفاده کند؛ خسته نشدن در این مدیریت شرط است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۶/۱۱). این تعریف، عناصر ایمان، عقلانیت و تلاش خستگی‌ناپذیر را به صورت توأمان در خود دارد. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در واقع صورت‌بندی نهایی و نظام‌مند همین منظومه است. رهبر شهید انقلاب اسلامی در این سند، تمدن نوین اسلامی را افق حکمرانی تعریف می‌کنند که برای رسیدن به آن، عبور از پنج مرحله اساسی «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی» ضروری است (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۲). این سیر تکاملی، نشان می‌دهد که حکمرانی از دیدگاه ایشان، یک پروژه تمدنی با ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است که صرفاً با ابزارهای بوروکراتیک قابل تحقق نیست، بلکه نیازمند یک نهضت معنوی و عقلانی در مقیاس ملی است. حکمرانی متعالی به شیوه‌ای از حکمرانی گفته می‌شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر

مطرح می‌باشد. بر اساس الگوی حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می‌باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعال سازی ظرفیت‌های کنشگران و ذینفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می‌گیرد. بر اساس تعریف فوق، هدف حکمرانی متعالی را می‌توان زمینه سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان و همچنین گسترش برخورداری از زندگی با نشاط، ایمن، سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه دانست. بر این مبنا، از آنجا که مفاهیم و آموزه های اسلامی با فطرت انسانی هماهنگی دارد، این الگو می‌تواند برای ادیان و مذاهب دیگر نیز کارایی داشته باشد. بنابراین، الگوی حکمرانی متعالی به عنوان بدیل برتر مدل حکمرانی خوب می‌باشد. این الگو از همه تجارب بشری برای بهینه سازی نظام خود بهره می‌گیرد و تکنولوژی و روش های مصنوع انسانی را با معیار عقل و وحی سنجیده، سره را از ناسره تشخیص داده و در دستگاه و سیستم و اساس تقوا محور جدید جایابی نموده و کارکرد ویژه آن را باز تعریف می‌نماید (رضایی، ۱۳۹۸).

حکمرانی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بافت، ساختار و گفتمان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، متنی راهبردی و چندلایه است که خطاب به ملت ایران، به ویژه جوانان نگاشته شده است. فهم دقیق دلالت‌های حکمرانی این سند، مستلزم شناخت بافت تاریخی و سیاسی، ساختار و مفصل بندی منطقی و تحلیل گفتمان حاکم بر آن است. صدور بیانیه در شرایطی صورت گرفت که جمهوری اسلامی ایران یک دوره کامل چهل ساله را پشت سر گذاشته بود؛ دوره‌ای که به تعبیر رهبر شهید انقلاب اسلامی، «آزمون بزرگ» بود. این چهل سال با فراز و نشیب‌های فراوانی از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله، بازسازی، دوران سازندگی، اصلاحات، تحریم‌های فلج‌کننده، فتنه‌های داخلی، پیشرفت‌های شگرف علمی و هسته‌ای، و شکل‌گیری جبهه مقاومت همراه بود. در آستانه چهل سالگی، این پرسش در افکار عمومی و نخبگانی مطرح بود که «دستاورد نهایی این انقلاب چه بود و مسیر آینده کدام است؟». بیانیه گام دوم، پاسخ رسمی و تفصیلی رهبر شهید انقلاب اسلامی به این پرسش بود که با ارائه یک صورت‌بندی کلان،

هم به جمع‌بندی دستاوردها و ضعف‌های گذشته پرداخت و هم چارچوب حرکت برای چهل سال دوم را ترسیم کرد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از یک مقدمه و هفت سرفصل اصلی تشکیل شده است که به صورت یک زنجیره به هم پیوسته طراحی شده‌اند. مقدمه با برشمردن ویژگی‌های ممتاز انقلاب اسلامی (مانند مردمی بودن، شعارهای جهانی و ایستادگی بر اصول) شروع می‌شود و سپس نقش بی‌بدیل جوانان در هر دو گام را تبیین می‌کند. سرفصل‌های هفت‌گانه بیانیه نیز شامل؛ علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی می‌شود (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۵). نظم منطقی این سرفصل‌ها قابل تأمل است. شروع با «علم و پژوهش» به مثابه موتور مادی پیشرفت، و اختتام با «سبک زندگی» به عنوان لایه نرم و فرهنگی تمدن‌سازی، نشان از یک نگاه جامع دارد که از سخت‌افزار جامعه به نرم‌افزار آن حرکت می‌کند. در این میان، «معنویت و اخلاق» به عنوان روح حاکم بر همه این مراحل، بلافاصله پس از علم آمده تا تأکید کند که توسعه در این الگو، تک‌بعدی و مادی صرف نیست.

تحلیل گفتمان بیانیه نشان می‌دهد که چند «دال مرکزی» مفصل‌بندی کل متن را بر عهده دارند. «جوان» و «جوانان» با بالاترین بسامد، نه فقط به عنوان یک گروه سنی، بلکه به مثابه یک نیروی اجتماعی پیشران و منبع امید و تحول‌آزمایی می‌شوند. «تمدن نوین اسلامی» به عنوان افق نهایی و نقطه کانونی تمام تلاش‌ها تصویرسازی می‌شود. «جهاد» و مشتقات آن، مفهوم مرکزی برای توصیف ماهیت عمل سیاسی- اجتماعی است؛ برخلاف ادبیات رایج که از «مدیریت» یا «توسعه» سخن می‌گوید، بیانیه از «جهاد علمی»، «جهاد اقتصادی» و «جهاد امید» صحبت می‌کند که نشان‌دهنده تزریق روحیه انقلابی، فداکاری و تلاش مضاعف به کالبد حکمرانی است. این چارچوب گفتمانی، شالوده یک الگوی حکمرانی است که در آن، کنشگران حکومتی و شهروندان (به‌ویژه جوانان) هر دو در یک کارزار تمدنی سهیم می‌باشند. هر یک از سرفصل‌های هفت‌گانه نه به عنوان توصیه‌های پراکنده، بلکه به عنوان ارکان یک نظام حکمرانی یکپارچه با محسوب می‌شوند.

نخستین و شاید زیربنایی‌ترین سرفصل بیانیه به علم و پژوهش اختصاص دارد. این انتخاب تصادفی نیست؛ چرا که در منطق بیانیه، علم موتور محرک و پیش‌نیاز تحقق همه اهداف دیگر، از اقتصاد گرفته تا عزت ملی، است. رهبر شهید انقلاب اسلامی با اشاره به پیشرفت‌های خیره‌کننده ایران

در رتبه‌بندی‌های علمی جهان (رشد ۱۸۰ برابری تولید علم) این دستاوردها را میوه انقلاب می‌خوانند و بر ضرورت جهاد علمی برای عبور از مرزهای دانش تأکید می‌کنند (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۷-۶). حکمرانی دانش‌محور، سیاقی از حکمرانی است که در آن بر مبنای علم، فناوری، پژوهش، بصیرت دینی و آگاهی سیاسی مردم رابطه بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان ساماندهی می‌شود. دستیابی به شیوه حکمرانی دانش‌محور برای هر مقیاسی از حکمرانی از ضرورت‌های انکارناپذیر است. زیرا بدون الگوی مناسب در این حوزه، رشد و پیشرفت عادلانه غیرقابل امکان جهت اجراست (عابدی درجه، ۱۴۰۴). یکی از ارکان اصلی این بیانیه، تأکید بر پیشرفت علمی به عنوان زیربنای تحول در سایر عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. علم و فناوری نه تنها ابزاری برای حل مسائل روزمره جامعه محسوب می‌شوند، بلکه نیروی محرکه‌ای برای استقلال، اقتدار و هویت‌سازی تمدنی نیز به شمار می‌آیند. از این رو، آینده‌پژوهی علمی می‌تواند مسیر دستیابی به اهداف گام دوم انقلاب را روشن‌تر سازد. آینده‌پژوهی در حوزه علم و فناوری به معنای شناسایی روندها، چالش‌ها و فرصت‌هایی است که در افق بلندمدت می‌تواند مسیر کشور را دگرگون کند. در این راستا، ضرورت دارد نظام علمی ایران با اتکا به تجربه‌های گذشته و ظرفیت‌های بومی، حرکت خود را به سمت مرجعیت علمی در جهان اسلام و حضور مؤثر در جبهه علمی جهان هدایت کند. توجه به علوم نوظهور همچون هوش مصنوعی، زیست‌فناوری، نانو، انرژی‌های نو و علوم شناختی، می‌تواند پایه‌گذار تحولات شگرفی در آینده باشد. از سوی دیگر، پیوند میان پیشرفت علمی و عدالت اجتماعی نیز از محورهای کلیدی در مسیر تمدن‌سازی اسلامی است. تولید علم باید در خدمت نیازهای واقعی جامعه قرار گیرد و به بهبود کیفیت زندگی آحاد مردم بینجامد. همچنین ایجاد زیرساخت‌های حمایتی از نخبگان، گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان و ارتقای فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها و مدارس، از الزامات تحقق این چشم‌انداز است. تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند نگاه راهبردی، بلندمدت و آینده‌نگر در سیاستگذاری‌های علمی است (موسوی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۴).

دلالت‌های حکمرانی علم و پژوهش عبارتند از: «تثبیت حکمرانی دانایی‌محور»: این رویکرد فراتر از تأسیس پارک‌های علم و فناوری، به معنای آن است که دانش باید مبنای همه سیاستگذاری‌های کلان، از مدیریت منابع آب تا برنامه‌های جمعیتی قرار گیرد. سیاستگذاری شواهدمحور که در آن،

تصمیمات متکی بر داده‌ها و پژوهش‌های معتبر است، به صراحت توصیه می‌شود (Sanderson, 2002: 61). «نهادینگی پیوند صنعت و دانشگاه»: رهبر شهید انقلاب اسلامی از نبود ارتباط درست میان دانشگاه و بخش‌های تولیدی به عنوان یک نقص یاد می‌کنند (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۷). حکمرانی مطلوب باید این پیوند را به یک فرایند نهادی و پایدار تبدیل کند؛ به طوری که هر پروژه ملی، یک پیوست پژوهشی و فناورانه داشته باشد. «نخبه‌پروری و جوان‌گرایی نهادی»: بیانیه گام دوم، جوانان دانشمند و پژوهشگر را موتور پیشران می‌خواند. در الگوی حکمرانی مطلوب، چرخش نخبگان و میدان‌دهی به جوانان در سطوح عالی مدیریت دانش و فناوری، نه یک شعار، بلکه یک ضرورت راهبردی است. «مرجعیت علمی و زبان فارسی»: رسیدن به جایگاهی که زبان فارسی به یکی از زبان‌های علم جهان بدل شود و ایران به قطب علمی منطقه ارتقا یابد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۶) یک هدف تمدنی برای حکمرانی علم محسوب می‌شود. این هدف، دیپلماسی علمی را به یکی از ابزارهای اصلی قدرت نرم و عزت ملی تبدیل می‌کند.

دومین محور بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق است. رهبر شهید انقلاب اسلامی با صراحت هشدار می‌دهند که پیشرفت مادی بدون معنویت، جامعه را به بن‌بست، فساد، بی‌عدالتی و پوچی می‌کشاند (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۸). در این نگاه، معنویت و اخلاق، نه یک ضمیمه تشریفاتی، بلکه شرط لازم و تداوم‌بخش پیشرفت مادی هستند.

دلالت‌های حکمرانی معنویت و اخلاق عبارتند از: «خودکنترلی کارگزاران»: بیانیه گام دوم تصریح می‌کند که مسئولان نظام باید اهل تقوا، طهارت مالی و اخلاقی باشند (همان، ۹). این به معنای تکمیل نظارت‌های بیرونی (نهادهای نظارتی) با نظارت درونی (تقوا) است. در یک نظام حکمرانی، اگر کارگزاران فاقد ایمان و اخلاق باشند، قوانین و نهادها به تنهایی قادر به مهار فساد نخواهند بود. این رویکرد، پاسخی به ناکامی طرح‌های مبارزه با فساد در جهان است که عمدتاً بر بعد حقوقی-نهادی تمرکز داشته و از ریشه فرهنگی آن غافل بوده‌اند (Rothstein, 2011: 144). «نهادسازی برای ترویج اخلاق عمومی»: نهادهای حکومتی در این الگو، موظف‌اند زمینه‌ساز رشد معنویت در جامعه باشند. این وظیفه از طریق نظام آموزشی، مساجد به مثابه کانون‌های حکمرانی محلی و رسانه ملی انجام می‌شود. حکمرانی اخلاقی در اینجا به معنای مهندسی اخلاقی آمرانه نیست، بلکه به معنای ایجاد بستری است که انتخاب‌های اخلاقی آسان‌تر و جذاب‌تر شوند. «ارتباط وثیق با عدالت و

اقتصاد:» بیانیه تأکید دارد که اقتصاد مقاومتی بدون اخلاق کاری، وجدان و انضباط اجتماعی شکل نمی‌گیرد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۱). این بیان نشانگر آن است که در این الگو، حوزه‌های گوناگون از هم منفک نیستند. معنویت، روحی است که در کالبد اقتصاد، عدالت و سیاست دمیده می‌شود تا از تبدیل شدن آن‌ها به ابزارهای خشک و بی‌روح جلوگیری کند.

سرفصل سوم بیانیه به اقتصاد می‌پردازد و آن را مسئله اصلی و محوری کشور معرفی می‌کند. تحلیل رهبر شهید انقلاب اسلامی از اقتصاد ایران، بر دوگانه فرصت‌ها و چالش‌ها استوار است و راه حل را نه در الگوهای توسعه غربی یا شرقی، بلکه در الگوی اقتصاد مقاومتی می‌بیند که بر دو پایه درونزایی و برون‌گرایی استوار است (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۱).

دلالت‌های حکمرانی اقتصاد عبارتند از: «تولید ملی و اشتغال جوانان»: حکمرانی اقتصادی باید به طور کامل در خدمت جهش تولید و اشتغال جوانان قرار گیرد. این به معنای اصلاح نظام بانکی، رفع موانع کسب و کار، و هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد است. حمایت از تولید داخلی، به‌ویژه صنایع دانش‌بنیان، یک راهبرد دفاعی- اقتصادی محسوب می‌شود. «کاهش وابستگی به نفت»: بیانیه گام دوم بر سیاست‌گذاری به گونه‌ای تأکید دارد که درآمدهای نفتی صرف سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و مولد شود نه هزینه جاری. قطع وابستگی بودجه به نفت، یک دستورکار فوری برای حکمرانی مالی کشور است تا اقتصاد از گروگان نوسانات بازار جهانی و تحریم‌ها خارج شود. «عدالت اقتصادی و مقابله با رانت»: توزیع عادلانه فرصت‌ها، مبارزه با رانت‌خواری، انحصار و شکاف طبقاتی از ارکان این الگو است. حکمرانی اقتصادی باید با شفاف‌سازی تخصیص ارز، واگذاری‌ها و مجوزها، زمینه رانت را از بین ببرد. «برون‌گرایی متوازن و عزت‌مدار»: بیانیه گام دوم از تعامل گسترده و هوشمندانه با جهان سخن می‌گوید، اما این تعامل را مشروط به حفظ اصول و منافع ملی می‌کند. این یک سیاست خارجی اقتصادی است که به جای اسارت در نظام سلطه و زنجیره‌های ارزش جهانی تحمیلی، به دنبال ایجاد زنجیره‌های ارزش مستقل و همکاری با کشورهای مستقل و همسواست.

چهارمین سرفصل، عدالت و مبارزه با فساد است. رهبر شهید انقلاب اسلامی با صراحت می‌فرماید: عدالت، آرمان بزرگ و همیشگی بشر است و در نظام اسلامی، یک تکلیف شرعی و قانونی می‌باشد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۲). در این بخش، عدالت و مبارزه با فساد دو روی یک سکه

هستند؛ تحقق عدالت بدون ریشه‌کن کردن فساد ممکن نیست، و مبارزه با فساد بدون هدف عدالت‌گسترانه، ابتر می‌ماند.

دلالت‌های حکمرانی عدالت و مبارزه با فساد عبارتند از: «عدالت به مثابه یک فرایند، نه صرفاً یک نتیجه»: بیانیه گام دوم از عدالت اجتماعی و اقتصادی، عدالت در دسترسی و عدالت قضایی سخن می‌گوید. حکمرانی عادلانه باید تضمین کند که فرصت‌های آموزش، بهداشت و اشتغال به صورت برابر برای همگان، به ویژه مناطق محروم و حاشیه‌نشین، فراهم شود. عدالت در این معنا، یک پیش‌نیاز برای انسجام اجتماعی و امنیت ملی است. «مهندسی نهادی برای مبارزه با فساد»: رهبر شهید انقلاب اسلامی از فساد به عنوان آفت خطرناک و بلای لاعلاج برای حکومت‌ها یاد می‌کند و بر ضرورت سامانه‌های شفاف، قوانین بازدارنده و قضات شجاع تأکید دارند (همان، ۱۳). این تأکید، یک دستورکار نهادی مشخص را پیش می‌کشد یعنی دولت الکترونیک و شفافیت حداکثری برای حذف امضاهای طلایی، روزآمدسازی قوانین ضد فساد، و استقلال قوه قضائیه در برخورد با مفسدان بدون ملاحظه جناح‌بندی‌های سیاسی. «پیوند عدالت با معنویت»: نکته بدیع بیانیه آن است که عدالت بدون معنویت، یک مفهوم خنثی و بی‌ضمانت است در حالی که نظریات مدرن عدالت (مثلاً در اندیشه رالز) بر سر روش‌های توزیع منافع بحث می‌کنند، اینجا به چرایی و انگیزه عدالت‌ورزی پرداخته می‌شود. ضمانت اجرای عدالت، وجدان‌های بیدار و متعهد به خداوند است، نه صرفاً محاسبات فایده‌گرایانه. پنجمین سرفصل بیانیه، استقلال و آزادی است. رهبر شهید انقلاب اسلامی، استقلال را عزت ملی و آزادی را ارزش فطری انسان می‌داند و هر دو را مکمل یکدیگر می‌شمرند. بیانیه گام دوم تصریح می‌کند که آزادی در منظومه فکری اسلام، به معنای رهایی از قیدوبندهای طاغوت‌ها و هواهای نفسانی است و با هرج و مرج و بی‌بندوباری تفاوت دارد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۵).

پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت بر مسیر تمدن‌سازی نوین حادثه‌ای بود که باعث شد نظام حکومتی که به نوعی وابستگی اقتصادی و سیاسی به هژمونی غرب خصوصاً سیاست‌های آمریکا داشت، با حضور و همراهی مردم ساقط و جای خود را به نظام جمهوری اسلامی دهد؛ نظامی که داعیه استقلال و آزادی یکی از شعارهای اصلی آن بود (باقری و همکاران، ۱۴۰۵).

دلالت‌های حکمرانی استقلال و آزادی عبارتند از: «استقلال»: ایران هرگز زیر بار سلطه قدرت‌های خارجی نخواهد رفت (همان، ۱۴). این اصل، یک خط قرمز مطلق در حکمرانی است. استقلال سیاسی،

بدون استقلال اقتصادی و فرهنگی معنا ندارد. لذا حکمرانی موظف است در همه عرصه‌ها، پیوست استقلال را رعایت کند؛ از امنیت غذایی گرفته تا صنعت فرهنگ. «آزادی مسئولانه و قانون‌مدار»: در این مدل، آزادی نه در فردگرایی افسارگسیخته لیبرالی، بلکه در آزادی برای تعالی و رشد در چارچوب شرع و قانون تعریف می‌شود. حکمرانی باید ضامن آزادی‌های مشروع (بیان، اجتماعات، رسانه) باشد و در عین حال، با ولنگاری فرهنگی و ایجاد اخلال در امنیت روانی و اخلاقی جامعه مقابله کند. مرز آزادی، حقوق دیگران و ارزش‌های بنیادین جامعه است. «مردم‌سالاری دینی»: رهبر شهید انقلاب اسلامی بارها تأکید کرده‌اند که مردم‌سالاری دینی، یک الگوی جدید است که با دموکراسی لیبرال متفاوت است. در این الگو، آرای مردم به حکومت مقبولیت می‌بخشد و ولایت فقیه مشروعیت الهی و حرکت در چارچوب شریعت را تضمین می‌کند. این دو عنصر، ستون‌های یک حکمرانی متوازن را تشکیل می‌دهند که در آن نه دولت استبدادی است و نه جامعه رها و بی‌مبدأ می‌باشد.

ششمین سرفصل، نگاه حکمرانی را از سطح ملی به سطح بین‌المللی گسترش می‌دهد. این بخش بر سه مفهوم کانونی عزت، حکمت و مصلحت بنا شده و ترسیم‌کننده حکمرانی فراملی جمهوری اسلامی ایران است.

دلالت‌های حکمرانی این سرفصل عبارتند از: «عزت ملی»: حفظ کرامت و اقتدار ایران در عرصه بین‌المللی، یک هدف فرعی نیست، بلکه یک اصل حاکم بر تمامی تعاملات است. حکمرانی نباید هیچ‌گاه به نام توسعه یا تعامل، عزت و استقلال ملت را معامله کند. «روابط خارجی هوشمند و شبکه‌ای»: بیانیه بر تعامل با جهان بر اساس اولویت همسایگان و کشورهای همسو تأکید دارد. این به معنای شکل‌دهی به یک شبکه همکاری‌های راهبردی مستقل از نظام سلطه است. سیاست نگاه به شرق، عضویت در سازمان‌های همکاری‌های منطقه‌ای مانند شانگهای و بریکس، و تقویت جبهه مقاومت، مصادیق این حکمرانی شبکه‌ای است. «مرزبندی با دشمن»: رهبر شهید انقلاب اسلامی نظام سلطه و استکبار را دشمن اصلی ملت ایران معرفی می‌کنند. حکمرانی مطلوب باید قدرت تشخیص دوستان، دشمنان و رقبا را داشته باشد و در برابر نفوذ و تحمیل اراده دشمن، هوشیار باشد. این مرزبندی، به معنای قطع ارتباط با جهان نیست، بلکه به معنای تعامل با چشمان باز و عدم اعتماد به دشمن است. این یک دکترین دفاعی-امنیتی برای حکمرانی است تا مسیر توسعه، به گذرگاهی برای نفوذ دشمن تبدیل نشود.

آخرین سرفصل، سبک زندگی است که به عنوان بُعد نرم تمدن‌سازی معرفی می‌شود. این انتخاب هوشمندانه نشان می‌دهد که در نگاه بیانیه، تمدن‌سازی صرفاً با موشک، کارخانه و فناوری محقق نمی‌شود، بلکه در گرو تحول در نحوه زیستن مردم است. برابر بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی با اعمال حربه‌های مدنظر در قدرت نرم در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است (حیدرنژاد و مقیمی، ۱۴۰۵).

دلالت‌های حکمرانی این سرفصل عبارتند از: «خانواده‌محوری»: بیانیه گام دوم از ترویج ازدواج آسان، فرزندآوری و تحکیم بنیان خانواده به عنوان مهم‌ترین مأموریت حکمرانی فرهنگی یاد می‌کند. سیاست‌های کلان، از شهرسازی و معماری گرفته تا قوانین کار و مالیات، باید پیوست خانواده داشته باشند. «مبارزه با آسیب‌های اجتماعی»: مبارزه جدی با طلاق، اعتیاد، فساد اخلاقی و مصرف‌گرایی افراطی، دیگر صرفاً یک توصیه نیست، بلکه یک مسئولیت مستقیم برای حکمرانی است. این امر نیازمند یک تقسیم کار ملی میان آموزش و پرورش، رسانه، مساجد و نهادهای حمایتی است. «جهت‌دهی به الگوی مصرف و اوقات فراغت»: حکمرانی موظف است با حمایت از محصولات فرهنگی بومی و طراحی یک الگوی اسلامی-ایرانی برای مصرف و فراغت، در برابر تهاجم فرهنگی که هدفش تغییر سبک زندگی است، مقاومت کند. «مسئولیت اجتماعی و فرهنگ جهادی»: رواج فرهنگ همیاری، وقف، انفاق و خدمتگزاری به خلق که در گروه‌های جهادی تبلور یافته، یک الگوی حکمرانی از پایین به بالاست. دولت باید به جای تصدی‌گری، تسهیلگر این حرکت‌های خودجوش مردمی باشد. این همان حکمرانی مردم‌پایه است که در آن، مردم نه تماشاچی، که کنشگران اصلی حل مسائل جامعه‌اند.

بنابراین، در این سند تمدنی، سبک زندگی اسلامی نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه مؤلفه‌ای بنیادین در تحقق تمدن نوین اسلامی و تضمین تداوم هویت انقلابی جامعه معرفی شده است (گوهری و سنیح، ۱۴۰۴).

با توجه به موارد گفته شده، الگوی حکمرانی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر چند اصل موضوعه استوار است:

هم‌افزایی عقلانیت و معنویت: این دو نه در تقابل، که در تعامل با یکدیگرند. معنویت به عقلانیت جهت می‌دهد و عقلانیت به معنویت امکان تحقق عینی می‌بخشد. مردم‌پایگی و نخبه‌گرایی همزمان: حکمرانی متعالی، هم بر مشارکت توده‌ای مردم در قالب بسیج و گروه‌های جهادی متکی است و هم بر هدایت نخبگان علمی و اخلاقی تأکید دارد. مسأله‌یابی و عمل انقلابی: در این الگو، دیوان‌سالاری و فرایندهای زائد اداری که به اسارت در روندها منجر می‌شود، محکوم است. مدیریت جهادی به دنبال حل سریع و عملی مسائل با روحیه انقلابی است.

بنابراین، در حکمرانی خوب لیبرال، منشأ ارزش‌ها، قرارداد اجتماعی و حقوق بشر سکولار است (آرایی، ۱۳۹۸)، اما در الگوی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منبع ارزش‌ها، وحی، فطرت و شریعت می‌باشد. در آنجا غایت حکمرانی، رفاه مادی حداکثری است، اما در اینجا غایت، سعادت دنیوی و اخروی و تمدن نوین اسلامی است. به بیان دقیق‌تر، حکمرانی گام دومی را می‌توان «حکمرانی متعالی» نامید که هم استانداردهای فنی را در بر می‌گیرد و هم از افق مادی آن فراتر می‌رود. در الگوی لیبرال، ضمانت اجرای حکمرانی خوب، نهادهای رسمی نظارتی و ترس از مجازات است. در الگوی بیانیه گام دوم، این نهادها به قوت خود باقی هستند، اما یک لایه عمیق‌تر به نام خودکنترلی برآمده از ایمان و تقوا به آن اضافه می‌شود که کارگزار را در خلوت نیز پایبند به عدالت می‌کند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر شهید انقلاب اسلامی با صدور بیانیه گام دوم انقلاب و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی ارائه فرمودند. بیانیه گام دوم تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد.

این پژوهش با واکاوی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در بستر منظومه فکری رهبر شهید انقلاب اسلامی به این نتیجه رسید که این سند، فراتر از یک بیانیه سیاسی، یک الگوی حکمرانی متعالی، جهادی و مردم پایه را ارائه می‌دهد. یک الگوی چندبُعدی که مؤلفه‌های هفت‌گانه آن یک نظام یکپارچه را تشکیل می‌دهند. در این نظام، «علم و پژوهش»، زیربنای مادی و ابزار عقلانیت است که مسیر را روشن می‌کند. «معنویت و اخلاق»، روح حاکم بر این پیکره و ضامن سلامت و جهت‌گیری الهی آن است. «اقتصاد مقاومتی»، موتور محرک مادی است که استقلال و معیشت عزت‌مدار جامعه را تأمین می‌کند. «عدالت و مبارزه با فساد»، ستون فقرات اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی است. «استقلال و آزادی»، چارچوب حاکمیتی و حقوقی تعامل دولت-ملت را تعریف می‌کند. «عزت ملی و روابط خارجی هوشمند»، جایگاه کشور را در نظام جهانی تثبیت می‌نماید و «سبک زندگی»، محصول نهایی و نرم تمدن‌سازی است که همه دستاوردهای مادی و معنوی را در زیست روزمره مردم متبلور می‌سازد. نکته کانونی این الگو، انسان‌شناسی خاص آن است. برخلاف الگوی لیبرال که انسان را موجودی خودمختار و نفع‌طلب می‌بیند و برخلاف الگوهای اقتدارگرا که او را تبعه‌ای مطیع می‌انگارند، بیانیه گام دوم، انسان و به‌ویژه جوان را یک مجاهد تمدن‌ساز معرفی می‌کند که با امید، ایمان و عمل انقلابی، هم به خودسازی می‌پردازد، هم جامعه را به پیش می‌برد و هم در تراز تمدن جهانی ایفای نقش می‌کند. این الگو، یک راه سوم در حکمرانی است که از یک سو، گرفتار دام دیوان‌سالاری ناکارآمد و توسعه صرفاً مادی مدل‌های سکولار نمی‌شود و از سوی دیگر، به نام دین و ارزش‌های معنوی، عقلانیت، علم و تدبیر را کنار نمی‌گذارد. تحقق این حکمرانی، نیازمند یک نهضت علمی، فرهنگی و مدیریتی در همه سطوح کشور است که نقطه شروع آن، بکارگیری و میدان‌دادن واقعی به جوانان مؤمن، دانا و پرانگیزه است.

فهرست منابع

- قران کریم.
- اقبال، حدیث و رجبی، فرجاد (۱۳۹۹)، الگوی حکمرانی خوب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، ۳۲-۹.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۰). صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- آذربایجانی، مهدی، علی احمدی، علیرضا؛ رفیعی آتانی، عطاءاله و عبدالحمید، مهدی (۱۴۰۲). الگوی نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دانش سیاسی، ۱۹(۱). ۲۸-۱.
- آرای، وحید (۱۳۹۸). حکمرانی خوب، تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.
- آرای، وحید (۱۳۹۹). حکمرانی و سیاستگذاری شهری، تهران: انتشارات سیاستگذار.
- باقری، محمدمهدی؛ بیابان‌نورد، علیرضا و نی، علیرضا (۱۴۰۵). رویکرد تحلیلی تأثیر استقلال و آزادی بر تمدن نوین اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مطالعات سیاسی و اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۸(۱۷)، ۲۰۶-۱۹۴.
- بیرو، آلن (۱۳۹۱). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء
- حیدرنژاد، علیرضا و مقیمی، مهدی (۱۴۰۵). طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۶۸-۴۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۶/۱۱). بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت. قابل دسترسی در سایت: khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. متن کامل در سایت: farsi.khamenei.ir
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۳/۴). بیانات در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره). قابل دسترسی در سایت: khamenei.ir
- خلیلی، ابراهیم و ساوه درودی، مصطفی (۱۴۰۱). نظریه نظام انقلابی در اندیشه مقام معظم رهبری مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۲(۱)، ۴۹-۲۳.

- رضایی، حسن (۱۳۹۸). طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی و دولت معیار، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری.
- عابدی درچه، محسن (۱۳۹۹). واکاوی سیاق حکمرانی جوان و حزب الهی در گام دوم انقلاب مبتنی بر اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱(۳)، ۳۴-۱۵.
- عابدی درچه، محسن (۱۴۰۴). تحلیل مضمون حکمرانی دانش‌محور و پژوهش‌پایه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۴(۱)، ۳۹۹-۳۷۳.
- گوهری، داود و سنج، علی حسین (۱۴۰۴). تبیین توسعه سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱(۳)، ۴۰-۲۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). آزادی معنوی. تهران: صدرا.
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۸). مدیریت دولتی و حکمرانی. تهران: نشر نگاه دانش.
- موسوی‌زاده، سیدابوالفضل؛ پرژک، پرستو و حبیبی کاکاوندی، لیدا (۱۴۰۵). چشم‌انداز آینده پژوهی پیشرفت علمی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۱(۲)، ۴۶-۳۳.
- نجفی سیار، رحمان و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹). شاخص‌های حکمرانی مطلوب «دولت تراز انقلاب اسلامی» مطابق با بیانیه گام دوم، مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰(۴)، ۲۰۰-۱۷۳.
- Andrews, M. (2013). *The Limits of Institutional Reform in Development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Arjomand, S. A. (2009). *After Khomeini: Iran Under His Successors*. Oxford: Oxford University Press.
- Blunt, P., & Turner, M. (2005). Decentralisation, Democracy and Development in a Post-conflict Society: Commune Councils in Cambodia. *Public Administration and Development*, 25(1), 71-81.
- Doombos, M. (2001). 'Good Governance': The Rise and Decline of a Policy Metaphor? *Journal of Development Studies*, 37(6), 93-108.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues*. World Bank Policy Research Working Paper, No. 5430.
- Rhodes, R. A. W. (1996). *The New Governance: Governing without Government*. *Political Studies*, 44(4), 652-667.
- Rothstein, B. (2011). *The Quality of Government: Corruption, Social Trust, and Inequality in International Perspective*. Chicago: University of Chicago Press.
- Sanderson, I. (2002). Evaluation, Policy Learning and Evidence-based Policy Making. *Public Administration*, 80(1), 1-22.

- Schmitt, C. (2011). Cultural Governance as a Conceptual Framework. *International Journal of Cultural Policy*, 17(2), 81-99.
- Stoker, G. (1998). Governance as Theory: Five Propositions. *International Social Science Journal*, 50(155), 17-28.
- Weber, M. (1978). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*. Berkeley: University of California Press.
- World Bank. (1992). *Governance and Development*. Washington, D.C.: The World Bank.